

- فہرست مرتبہ جاناتا پرنٹنگ انقلاطور
مقدمہ - سلسلہ قاجار صفحہ
فصل اول - انقلاب ایران
بواسطہ مشروطیت ص ۷
فصل دوم - انقلاب خراسان ص ۲۵
الجمع بقول اللہ خراسانی
قصیدہ شایبہ مؤلف ص ۲۱
وچینگو طوسی سید ، ، - مشتمل وقایع
انقلاب خراسان و بمباردمان اسنان
رضوی علیہ السلام ص ۳۳
تصحیح بند مؤلف ص ۵۵
انتخاب کتب بند - نقل از جبرین
نویسار ص ۵۱

تجارت

بداشتمندان بصیرت غنی تمامان را در این دنیا و آخرت
در جمع این نگاهش که به تمام حقیقت دل و جان زند میدا
رنگ آریاب صورت را بیوی احباب معنی با عمل پیوسته
و همتا نام مقصود اصلی از این تالیف متوجه ساختن فلان
مردمان بود که است بعوالم دیانت و در خانیت و تقرب آنها
عالم و آثار قدرت خست احدیت تا همگان بخوانند
بدانند از الله عزوجل آید هم دست دیگری روی کنایات
و ملاحظاتی چند بشر بعضی از اینها و کشف پاره‌ها
بچه‌هاست چه برای بگفته هر گنام خوض در این معنی
دشوار می‌نموند امید است این خدمت تا قابل در پیشگاه
امانت و ولایت روحی له الفداء سمت قبول یافته
برادران ایمانی با حسن عقیدت از این استقبالی
شانان بنمایند (مثیل ذالغیر خبیر الواعیون)

مطبوعہ دارالحدیث لاہور

مُبْتَدِئَاتُ مَرْجُومِ اَدِيبِ الْمَمَالِكِ ص ۶۹

فَصْلٌ سَوِيٌّ - شَرْحُ تُوْبِ بَعْتِنِ رُوسِ

بِاسْتِنَانِ عَرْشِ بَنِيَانِ وَحِرَاثِ بَعْدَاذِ

بِمَادِدْمَانِ ص ۷۲

رُفِيَايِ صَادِقَةٍ ص ۷۶

قَصَبِيْدَةُ رَجَائِيْمِ مُؤَلَّفِ ص ۹۰

نَخَاتِمَةٌ - يَازَا شِ يَافَتِنِ رُوسِ ص ۹۲

اَسْتِبْدَاؤُ بِنِكَلَا بَغْرُودِ عِدَّتِكَ وَ

عُدَّتِ خُودِ ص ۹۴

كَيْفِيَّتُ قَتْلِ وَاِبْعَهْدِ اَلْجَرِيْشِ ص ۱۰۴

نَا بَرِيْجِ اَعْلَانَاتِ جَنَّتِكَ دَوْلِ اَرُوْبِ

يَبِيْكَدِيْكَرِ ص ۱۰۷

نطق نیکلا در ذار الاماده راجع

بشمع قشون ص ۱۱۰

قرمان هنایون راجع به بیطرفی

دولت ایران ص ۱۱۱

وضع زندگانی نیکلا در میدان ص ۱۱۳

معاهدات تبری متفقین ص ۱۱۶

خلاصه نطق یکی از وزر آجنگ اینلاف

شک راجع به بیانات اسلام و مسلمانان ص ۱۲۰

خطابه نین ص ۱۲۵

مستط مؤلف راجع به غیب و تکریم

ایرانیان ص ۱۲۸

انهدام امکلت استبداد

- یاجهوریت روسیه ص ۱۳۳
استغناء امپراطور روس از
سلطنت ص ۱۳۶
شرک قروض دولت روسیه ص ۱۳۸
قصد فرار نیکولا ص ۱۳۹
شرک قروض دولت متخاصمه و توضیح
معنی ملیارد ص ۱۴۰
تلفات دول متخارب ص ۱۴۲
تلفات روسیه ص ۱۴۴
کلینای رهیس ص ۱۴۵
المانها در آلمان و آلمان ص ۱۴۹
و کشور کدز پر باران ص ۱۵۰

علاء اسیری جنک دول معنارب ص ۱۵۴

بیچید نیکیلا ص ۱۵۴

جنک ارویا - تکلیف پاپ ص ۱۵۹
شوری علیات بطر و کراد - واظهاذا

یک صاحب منصب روس ص ۱۶۰

بیماریان شهر و بیگا ص ۱۶۳

بیماریان بریس ص ۱۶۴

بیماریان شهر لرون ص ۱۶۵

ملقات فرانسه و انگلیس ص ۱۶۶

قصید مؤلف نابع پیاداش یافتن

نیکیلا ص ۱۶۷
بیچ حال امیر الطور المان ص ۱۶۸

أبي محمد خلد بن عيبان بن عمرو

الغلابي
تأليف فلان بن فلان بن فلان
على مائة الف دينار
في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٢٥

الشهيد بالهجر

١٢٢٥

بنكرا بانها بنكرا بنكرا بنكرا

مکتب
انتظامیہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَتَحْسِبُونَ قَدِیْنًا وَهُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِیْمٌ
پہن گویا کہ غیبی محمد حسن بن محمد تقی
مقام سابق اعلیٰ خدام مبارکباد و لا یقدر جون و
نویسندین دوس باستان عرش بنیان اگر
جوانت حظی و ذرا ہی کبری مقام میاں
بمان شدم کہ شرف از این ذاهید و حکما و
خیلی بطریق اختصار در کاف غلام کرد و نشانه
مستاد و مشت نو فرخ و او است امین
پس از استحضار ایوم مجید کل نفس اجماع
وین خیر مختصرا الخالق متعال بدو عرض اعما

تغیبات

این عمل را از جمله اعمال خیر می‌شمارند و او را طلب
 در مسیاه و اوشعاعت است و هم از طهارت سلوات الله
 علیه السلام است و در فضیلت آن کتابه الخیر است
 چنانکه از کتابها و تصدیق و الحاف بود بلکه مستح
 آن روز را در نظر شیعیان تجدید نمود چنانکه
 فخر زیارت خواند که (السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
 الْقِيَمَةِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى الْبَرِّ) بدین معنی است
 زارده و انشاء الله مستطاب و توان گفت این درجه
 بالا تر از مسیاه است و هم الطفت که از طهارت سلوات
 چه حضرت سید الشهدا هم زاد آن روز که در
 در یکی از اصحاب با او بود که چنان نشان دادند
 اسلام نمودند و توان در هر وقت هر وقت
 از اینها در این مختصر شرح فرموده اند اما بعضی
 قائلند که اعلم اصحاب اسلام است که از این

وَلَا أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ بِمَا أَحْبَبْتُمْ
 أَنَّهُ بَعْدَ كَسْ خُصْرُثِ امَامِ ثَامِنِ اَعْلَى مِنْ سَوَاحِبِ
 كَدِ كِنْفَرِ نَبُودِ بَرِغْرِ بَيْتِشِ كَرِجَمِ اَرْدَدِ وَدِ شَمَنِ زَا اَرِ قَبْرِ
 سَوَدِشِ دَفْعِ نَمَائِدِ اَرِي خُودِشِ دَرِ زَمَانِ حَيَاتِ
 بِدِ عِبْلِ خِرَاعِي اَزِ عَرَبِيَّتِ وَ مَصِيبِ فَبِشِ خَبَرِ اَدَادِ
 وَ قَبِيكَهْ نَبُودِ عِبْلِ اَبِي شَمَرِ اَهْمِ بَقِصِيدَاتِ مَلِكِ كُنْ
 وَ قَبْرِ بَطْوَيْسِ يَا هَا مِنْ مُصِيبَةِ
 اَتَحْتِ عَلَيِ الْاَحْشَاءِ يَا زُقْرَابِ
 وَ مَوْ سَوْمِ نَمُودِ اَبِي كَابِ اَبَا نَقْلَابِ طُوسِ
 وَ مَشْتَمِلِ اسْتِ بَرِيكِ مَقْدَمِ رُوسِ فَضْلِ
 يَكِ خَاتَمِ رُوبِ اَللّٰهُ اسْتَعِينِ اِنَّهُ خَيْرٌ مَعِينِ
 مُعْتَدِي دَرِ ذِكْرِ اَسْمَائِي سَلَا طِينِ قَابِ اَدِ
 فَضْلِ اَوَّلِ دَرِ اَنْقِلَابِ اَبَا اَبَانِ بُوَ اَسْمَةِ
 بِكُ وَ طَبِئِكَ فَضْلِ دَوِي دَرِ اَنْقِلَابِ

خراسان و مهاجر شدن آن شروع با این زبان و خط است
فصل ششم در بیان همپارده مان این بارگاه
 فلک پایگاه خاتم در ذکر کیمیا یافتن روس
 پس از توپ بستن با وضع طوس **خطاب**
 مندوخت در مقدمه و فصل اول باقی الجملة
 تعریفی در اختصار عبارات منقول است از تاریخ
 میرزا حسینخان ذکاء الملک **مقدمت**
 که سلسله سلاطین قاجار و افغانچه خان
 چون کریم خان زند در گذشت افغانچه خان
 که شیراز بود یک سال از این حرکت نموده است
 و ما زنده دان واقصاحب کرد آنوقت بطهران
 و اینجاست این بحث قرار داد (۱۴۰۰) بعد از این
 دیگر پرداخت پس از فراغت از خیالات خود
 بطهران مراجعت نموده تاج بر سر خویش گذاشت

و خود را سلطان خواند (۱۲۱۰) و در آخر
 سه نفر از ملازمانش کشته شد (۱۲۱۱) مدتی
 پادشاهان بهی و تقریباً یکسال بوده است
 بعد از آن سلطان محمد علی شاه سلطنت در
 وارد کرد این موقع بیشتر از آنجا حرکت کرده
 بطهران آمد و وقت سلطنت جلوس نمود
 و در سال ۱۲۱۲ در آنجا آمد و گفت
 در ۱۲۱۳ مدتی پادشاهان و در ۱۲۱۴ سال بود
 بعد از آن سلطنت ایران محمد شاه است
 یافت و او در تبریز بود چون آنقدر از
 یافت بطهران حرکت نموده بود و در سلطنت
 در ۱۲۱۵ مدتی پادشاهان و در ۱۲۱۶ سال بود
 بعد از آن سلطنت پانزدهمین پادشاهان و در ۱۲۱۷

در این موقع نیز در از اینجاست که در سوره بقره
در سن هفده سالگی پادشاهی وقت (۱۱۶۴)
انرا امر در ماه ذی القعدة الحرام (۱۳۱۳) نیز
گرمانی در حرم حضرت عبدالعظیم باشا اولاد
مقبول نمود و مدت چهار روز پیش (۱۳۰۱) بنا بود
بمدارگشتن ناصرالدین شاه مظفرالدین شاه
و اوت در بهم ریخت گردید در این موقع نیز بود
در ماه ذی القعدة الحرام بمطهران امده و در
گذاشت (۱۳۱۳) ماه ذی القعدة الحرام (۱۱۶۴)
در گذشت و مدت پادشاهی او (۱۱) سال بود
بمدارگشتن ناصرالدین شاه مظفرالدین شاه
ذی القعدة الحرام بلافاصله چون دوران وقت
بمنتهی رسید بنمایند که در سن (۱۱۶۴)
در سن هفده سالگی پادشاهی وقت

چون در روز آخر سلطنت خود مظفر الدین شاه زمانه
 اختیارات امور مملکت را بشاهزاده عین الدوله
 واگذار کرده بود بقیه با مردم بد رفتاری کرد که
 مردم از ظلمش بیگانه شدند این مطلب مقدمه شد
 از برای هرج و مرج ایران و منجر شد نش همشاهی
 یعنی مردم در خیال افتادند خودشان را از شکنجه
 تقدیبات عین دشمنی دهند در طهران شورش
 شد و اشخاص باهوش ملت را آگاه نمودند و آنها
 را واداشتند که از مظفر الدین شاه اصلاح امور
 درخواست نمایند از علمای طهران دو نفر با
 مقاصد مردم همراهِ ایشان شدند اقامت علی بن
 بهرمانی و اقامت حسین طباطبایا ولی عین الدوله
 نمیکداشت شاه از علمای مردم مطلع شود قصد
 تفریق بنجامع بود چنانکه در قیامه علماء و مردم

که مسجد شاه جمع شده بودند آنها را متفرق کرد و شاه
 پشاه عهد العظیم رفتند و مشخص شدند عهد شاه
 ملتفت شد خواه شد عینت و امام شرق و عمل از آن
 کند که ماه شوال (۱۲۲۰) دستگیری فرستاد که بهین
 نزد یکی پوایانامه علیه نامه پس میگویم که در آنجا از
 روی قانون شریعت مطهره اسلام بکار رفتاری
 دیدگی شود. بگذران این دستخط مردم متفرق شد
 چون مدتی گذشت و برخواهید شاه اثری نشد
 فتنه دوباره مردم طهران شوریدند و در مبارزه
 معاروفینای بزرگوار را از وضع مسلک خود فانی
 انجمن اعیان الدوله گذاشتند بیست
 در آن وقت که شاه جمع و خیر (دوره) که در آن
 با آنچه باز عوارضی شاه بپشت که در آن
 نمودند و فریاد و انقلاب بلند شد شاه از آن

و قایم پختن بود عین الدوله نمیکذاشت شاه بدین
 مطالب که کاشف از بد و فساد می است مستحض
 امر کرد مسجد را محاصره کند علماء را نهد بدو ^{بعضی را}
 تبعید کرد علماء از طهران بقم رفتند چون مردم ^{کردم} از
 همه جا آمدند بوس بودند بتوسط سفارت انگلیس
 عزت نفس خود را خاطر نشان مظفر الدین شاه کرد
 و بعد از آن اعلام یافتن شاه بکش تبیان ^{که} عین الدوله
 فوراً او را مقرر کرد و پیش از آنکه شاهان ^{بسی} سپهر ^{بود}
 را بصدور معین نمود پس از آنکه اهل ^{شاه} بدین
 شخص ^{شست} که امور صداری صلاح ^{شست} و چنین بود
 که دولت شاهین موقع ^{شست} و طبعیت ^{شست} اعانت عطا
 کند در عدد برآمد و مظفر الدین شاه را ^{شست}
 که در این اسراف نام کند شاه که چون خود بر ^{شست}
 داشت داشت که در روز ۱۴ ماه جمادی الثانی ^{شست}

و بخط صاحب درویش و طبعت را بر عینت داد علماء را
 بطهران آن برگردانید، بعد از رجوع علماء بطهران نشین
 با انتخابات و کلاهی پایتخت شد و عمارت بهارستان
 را که از جمله بناهای عالی شیراز بود داد الشیرازی
 برای قراء و اعداء و بر سر قیام نظام مشایخی که تجدید
 اختیارات دولت و تعیین حقوق ملت میکنند بود
 که این چنین شاه چون از این برای نظامت علی بن
 بود سر بهوش شد و پادشاه چون بطهران آمد که
 و این بود بود بطهران اختیارات که آن وقتیکه
 پناه تختگاه نظام مشایخ تمام شدند و شاه در
 مظفر الدین شاه و محمود شاه و شیرازی و امام
 کردند اساس مشروطیت که ایران برقرار شد
 در ماه ذی القعدة الحرام ۱۳۰۲ هجری و در روز
 هجری نظام مشایخ مظفر الدین شاه از طرفی شاه کرد

و روزگارش سپری شد. بعد از فوت مظفرالدین شاه
 محمدعلی شاه تخت نشست مقرران او اشخاص جوان
 و از امور مملکت داری بجزیره بودند و نویت باستبداد
 داشتند و از پیش آمد کار خوش وقت نبودند شاه را
 و امید داشتند که با اساس مشروطه مخالفت نمایند آن
 کم بنای ضدیت را با و کلاه مجلس گذاشت و همواره
 برای پیشرفت کارهای مجلس مانع فراهم می نمود
 و همراهی نداشت ولی چون از ادبی نطق و علم بود
 خطباء و ناطقین در خواض و معاب و عروجی مردم را
 بیاد میگرداند و جزا در هم جمع میبشد که باعث توجیب
 و تحسین مردم بود بر همراهی از مجلس و کارگاه که
 چون دولت اقدام نمایند موراثت بهر وجه میبایست
 از پیشرو سپردند و اگر چون مخالفت شاه را دیدند و
 سوء اخلاق در بلاد بان مطلع شد از صدقات استخفا

تغلا

زاد و شاه پسر اعلیٰ حسن خان (امیر السلطان) را
 اگر ترک بطور آن احضار کرد پس از ورودش بظهر
 راست و نداء و وزارت داخله با او تقویٰ بخشید
 مدتی نگذشت که جماعت منقلب و داخله پایتخت
 مشورش گردید امیر السلطان هم در اصلاح مملکت
 اقدام نداشت مردم طهران و دیگران میگفتند این
 ترتیبات زیر امیر السلطان است در صدد برآمد
 روز (۱۴) جنادی الفایده که روزی بود در آن وقت
 مشروطه داده بود مردم طهران و سایر بلاد جشن
 گرفته شبانه روز چراغانی کردند و مشغول عیش و
 عشرت بودند ولی بعضی از این جشن احتشاش
 روز بروز در نژاد بود و مردم هم در نژاد میرزا علی
 خان بدنگان بودند مشادالیه که روزی از هیئت دولت
 مجلس آمده هنگام مراجعت عیال با آقای ترک

دم جلوه خان مجلس باشا اول او را مقبول نمود ما
 رجب (۱۳۲۵) چندی بعد مجلس از نوشتن کتاب
 انجمنی فایز شد محمد علی شاه از اصرار گذاشت
 ماه شوال (۱۳۲۵) و مجلس آمده حضور علماء و
 و کلاه متعهد شد که بعد از مخالفت با شکر و ایضا
 مسوولیت را خجایت کند و نکره اینقدر در طلب
 نگهاری نقشه دیگر پیش آمد یعنی مسدود کردن
 و انجمن الدوله که با ما بنا بر ضد شرعیت کار میکرد
 در نوم ذی القعدة الحرام چهارم از شام به بغداد
 با جناحتی از اشرار برپاست سید محمد زین العابدین
 بطالب الحق و ریاست دیگران قرار شد و عیال
 توپخانه آوردند و با اسم اینکرمس و طره شمشیر
 بنای انجمن و مشاورت را کردند مدتی از مسکو
 کتاب انجمنیت شد و از آنجا برآورد و در مورد

(مستطرد)

مشرک طرخواهان ندیدند بجز در کلاه که در دست
 داشتند که میگردیدند سالار و اشراف بجمع آمدند
 و غیره زانه در خراست کوشیدند محمد علی شاه دید این
 ترتیب کم نیاید فداد امر کرد که آن جماعت متفرق شدند
 و بعضی اطمینان مردم قیام یاد کرد که با اساس و مشورت
 همراهِ باشد و برای مصالحت بعضی از رؤسای
 توپخانه و اشراف و اعیان و مقتدر و غیره هم
 بکرات بفرستاد و ملاصحت کرد و ملت موافق
 شدند اما در آخر کلاه سه فرقه شدند که
 طرفدار دولت و دفاع مجلس و همچنانکه
 و یکی هوادار ملت قیام بود و شایسته
 کار ملت نموده بودند و چنانچه متوسط الحال
 که هوادار دولت بود که طرفدار ملت با این
 ترتیب از هیچ طرف اقدام علیه قیام نداشتند و در میان

تغیبات مشغول کار بودند از آن جمله اینها بود
 و شاپشال و مجلل که پیوسته در تخریب مجلس و اعتدال
 مشروطیت جدیت داشتند و شاه را محروک میسازند
 که بر ضد ملک اقدام کند. آخر الامر صلاح را چنین
 دیدند که شاه از شهر بیرون رود و نزد علیشاه
 بیاض جنب دروازه آب دوانی رفت و تدارک
 کافی برای جنگ دید و اهالی ^{مجلس} مجلس بودند که در بیابان
 چه قصد دارند. بعکس آنها از تمام جزئیات مجلس
 بنوسط بعضی از منافقین مطلع بودند. مختصر
 شاه بنوسط شاپشال سفر آه و روزاء مختار خواهد
 داد با خود همراه کرد و اظهار داشت که بعضی از منافقین
 در مجلس هستند که مملکت را مضروب دارند و عشا
 اختیار را از دست بیرون کرده اند. میخواهم که شاه
 مجلس را تعطیل کنم تا آن چند نفر مقصد را دستگیر نمایم

انقلابی

پس از آن مجلس مفتوح خواهد شد و باین بهانه شام
 بیچند هفت نفر از وکلاء و اجداد از مجلس تقاضا کرد
 در سه شب (۲۳) جناری (۱۳۲۶) یک
 یک عده سوار قزاق مأمور کرد مجلس و مسجد پیشانی
 را محاصره کردند و آن هفت نفر را از رؤسای مجلس
 خواست نمودند مجلس هم از تسلیم آنها امتناع داشت
 غایت کار بمجادله کشید از سه هفت مجلس بتوسط
 و مدت هشت ساعت مجاهدین مقاومت کردند
 چون دخیره شان تمام شد و از خارج با آنها در
 مجبور به تسلیم و فرار شدند و کتیبها بنا بر قتل و غارت
 را گذاشتند و مجلس را خراب کردند انجمنهای اطراف
 را ویران و چاییدند عده زیادی از مردم در معاً
 بدست عساکر دولتی کشته شدند و اقامت مسجد
 طباطبائی را با ملک المتکلمین و بعضی از وکلاء

دیگر با خیال بی احتیاجی بیایغ شاه بردند و بعضی از
مدیران جزا ندادند و دستگیر نمودند روز بعد مملکت
المتکلمین و مدبر بر صور اسرافیل زادن بیایغ شاه گشتند
و مدت چند روز امنیت از مردم سلب شد حکومت
نظامی و بلیا خف رئیس بر یکبار قزاق و اگر گذار شد
دولت عفو عمومی داده و این واقعه در تمام ولایات
ناگراف شد و برای حکام دستورالعملهای لازمه
داده شد که اجتنابها را موقوف نمایند و مواخلفان
مشروطیت را مجازات کنند لیکن مردم که بحقوق خود
مطلع شده بودند بعد از این واقعه باد دولت بسجا
ضدیت را گذاشتند مقدم بر همه اهالی تبریز بودند
که بی اندازه اظهار شادمانی و جلالت کردند زیرا
که در روز (۲۳) جمادی الاولی که مجلس تبویب کسبه
شد برحیم خان چلیپا نالون ناگراف کردند که سواره

و پیاده خود را بردارد و بطرف تبریز حرکت نماید.
 بجاهدین تبریز همینکه اطلاع یافتند ستاد خانرا که
 در باسج بود خواسته و جدا بار چرخان مقاومت نمودند
 و او را از باغ شمال پیرون کردند (۱۲) جنادی ایشان
 فدوی نگار شک اردوئی بکارداری سهام الدوله
 مرکب از توپخانه و قودخانه سواره و پیاده بکلیت
 و چرخان رسید و بار چرخان وارد تبریز شدند و
 دوسه مگه بشهر شکست آوردند و تبریز بهار را
 عقب نشانیدند ولی در تمام بلیات مشارخان
 و باقرخان مردم را تسلیت و دلداری میدادند
 (۱۵) رجب عین الدوله که بحکومت تبریز معین
 شده بود آمد و در باغ معرف صاحب دیوان مشا
 گرفت و چند روز اعلان مشار که جنگ داد چند
 نفر از جانب خود نزد مشارخان و انجمن ولایتی فرستاد